**مصاحبه با HSPrivateKabul050618**

**تاریخ 05 جون 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: وظیفه ی شما؟

HSPrivateKabul050618: مه معاون شرکت هستم.

ک: تصمیم گیرنده اصلی ده شرکت؟

HSPrivateKabul050618: بله!

ک: شرکت چی تعداد کارگر داره؟

HSPrivateKabul050618: تقریبا ده حدود 45 الی 50 نفر کارمند داره. به شمولیت مدیری و تمام چیزها [گویش پشتو].

ک: یعنی به تعداد 45 شاگرد داره؟

HSPrivateKabul050618: بله 45 نفر.

ک: ده سال های اخیر تعداد کارگرهای کم و زیاد شده؟

HSPrivateKabul050618: ده همی سال های اخیر فعلا کارمندها کمی اضافه شده از ما.

ک: کارگرها دایمی هستند، کانترکت امضای می کنید همراهشان یا این که مقطعی هستند؟

HSPrivateKabul050618: کارمندها ده اینجه ما یک کامپلکس داریم ده همونجه همراه ما زندگی می کنن. و اکثرت کارمندهای ما از ولایات هستن، رفته نمیتانن. از شهر کابل نیستن. باز ده مدیریت کس هایی داریم که شبانه خانه میرن. و کانترکت داریم.

ک: شرکت چگونه تولید می کنه؟ مستقیم با دست، یا ماشین اس که دست انسان او ره ده کار می اندازه، نیمه اتومات اس یا کاملا اتومات؟

HSPrivateKabul050618: چرا که ما ده پرودکشن کار می کنیم، پرودکشن پلاستیک، پلاستیک به توسط ماشین به پروسس گرفته میشه. بعد از پروسس مواد اچ.دی.پی یا پت یا ای.آر، هر کدام که باشه، ذوب میشه باز از ذوب به مرحله ی قالب میرسه. قالب او ره می گیره. باز او ره به دست یک کارمند می آیه. باز او کارمند او ره یک فنش تچ [finish touch] میته که او ره که مثلا فلش بالا و پایین داشته باشه او ره قیچی می کنه. و کدام چیز داشته باشه که او باید دور شوه باز او ره با دست دور میشه. بعدا باز پروسس تعدادگیری شروع میشه. تعدادگیری میشه و به همو دیپارتمنت خود میرسه.

ک: یعنی مواد اولیه ره اول کارگر می اندازه باز خود ماشین همه مراحل ره پیش می بره تا این که باز ده آخر [قطع]

HSPrivateKabul050618: مواده تقریبا ده بعضی ماشین ها حتا کارمند به همو ستورج تنک [storage tank] نمیرسانه. ستورج تنک هم به یک سلسله ی اتومات او یک سکر [sucker] میباشه او ره کش می کنه و او ره به ذخیره ی که به ماشین مال میته به همو میرسانه. بعد از او ماشین ماله تولید می کنه. بعد از او تولید شده می برآیه. ده بعضی اوقات این طور است که هفتاد فیصد مال تولید میشه او باز فنیش ده کار نمیداشته باشه. او میره به ستور، به گدام میره. یا به دست مشتری میره. باز ده ماشین های که بوتل های اچ.دی.پی.ای اس که او ره ده اروپا جیری کنس [jerry cans] میگن، او باز یک فنشنگ ده کار داره. او را باز کارگرها او ره به توسط جاقوهایی که بریده میشه، می برند.

ک: نرخ حد اوسط؟

HSPrivateKabul050618: ما خو فعلا تولید داریم از 60 ملی لیتر گرفته الی 300 هزار ملی لیتر. باز نرخ های این فرق داره و نرخ هایش از دیگه نگاه هم فرق می کنه که ما از یک قسم تولید نمی کنیم. بلکه بسیار اقسام تولید می کنیم از نگاه متیریل [material]. مثلا های دنستی پولی ایتیلین [high density polyethene] تولید می کنیم. مواد پت تولید می کنیم. مواد انجکشن تولید می کنیم. به همی قسم ما تقریبا 800 مورس داریم، قالب داریم. که هر یکیش فرق داره. مثلا به شما گفته میتانیم که کمتر بوتل که ما ده مارکیت می فروشیم قیمتش 2.50 افغانی اس. و زیادترینه که می فروشیم الی 300 افغانی اس.

ک: به اساس تقسیم اوقات یا سفارش؟ پیش‌تولید دارید یا نه؟

HSPrivateKabul050618: هر دو پروسس ره داریم. می فهمیم که ده بازار یک چیزی به طور همیشگی فروش میشه. باز او ره تولید می کنیم ده گدام می مانیم باز به سلسله ی مراتب او ره ده بازار می فروشیم. ما خود ما ده بازار نمایندگی هیچ چیزی نداریم. مردم پیش ما می آیه مراجعه می کنه. مگم می فهمیم که چی ده بازار کنتیونسلی [continuously] فروش میشه. وقتی که یک چیزی کنتونیوسلی فروش میشه او ره تولید می کنیم به یک مقدار خاص، و او به به بازار ارایه میکنیم. اما این طور هم اس که مثلا به فرمایش تولید کنیم. همی مالی که ما ده ستور نگه می کنیم این شاید بزنس ما ره ده حدود 20 تا 25 فیصد باشه. 75 فیصد ما به اساس اوردر [order] کار می کنیم.

ک: و خریدارها دایمی هستند؟

HSPrivateKabul050618: [بله] دایمی هستند. دایمی هم اس و نو هم اس. ده بازار افغانستان ما که نو آمده بودیم خو قبلا کسی نبود ده اینجه جیری کن یا پت یا چیزی تولید کنه. اما ما فعلا دایمی هم داریم و مشتری های هم داریم که نو به یک پرودکشن آغاز می کنن اونها هم می آیند. و کسانی هم می آیند که در آینده پلان دارند.

ک: ده حدود چقدر تولید دارید ده، فرضا، یک سال؟ تخمینا تولید شما ده چی حد بوده ده وقتی که تجارت خیلی رونق داشته؟

HSPrivateKabul050618: ما فعلا [...] فعلا ره نمی گیریم اما ما که شروع کردیم روزانه صرف و صرف یک دو صد دانه به حساب افغانی بوتل یا جیری کن تولید می کردیم. مه که اول بار به افغانستان آمدم و می خواستم که فابریکه ره فعال بسازم، پیش مه یک کسی مراجعه کد از قندهار. گفت که "من می خواهم که همی سرکه ره ده افغانستان تولید کنم اما نمی توانم از [خاطر] نبود جیری کن یا بوتل ها تولید خوده پیش ببرم". بالآخره مه که این کار و بار ره پیش کرده بودم برای آنها اطمینان دادم که مه برای شما مورس یا قالب ها جور می کنم شما آمادگی تان ره بگیرید. باز هم او مردم اعتبار نمی کردند به خاطری که ای افغانستان یک مملکت جنگزده [است] و همی صنعت نداشت و حتا که همی صنعت ده افغانستان رُشد نداشت. من رفتم برای این کمپنی قالب ها جور کردم و در روزی مه به این کمپنی یک 300 دانه جیری کن تولید می کردم، 3 لیتره، با سرپوش و با دسته. شما شاید ده بازار ببینین همی سرکه ده بازار به نام نگین تولید میشه. قبلا همی سرکه ده افغانستان تولید نمیشد بلکه از ایران می آمد. به کمک خدواند تعالی توانستیم که همی تولیدات سرکه ره از ایران بند بسازیم. خدا شاهد اس که ما پلان هم نداشتیم که مال ایرانه بند کنیم. خو ما فهمیدیم که مثلا سرکه تولیداتش ده افغانستان شده میتانه. مثلا ده افغانستان سیب بسیار زیاد اس. به همین قسم ما توانستیم [انتقال به موضوع بعدی] فعلا به همو کمپنی حالی ما اوسطا – این طور نی که همیشه اونها بگیرند – یک وقت 300 دانه می گرفت یا 250 دانه. حالی از پیش ما شاید ده حدود 300 هزار دانه عدد بگیره [بوتل بخره]. این قدر بزنس فرق کرده است [تا این حد از زمانی که شرکت ره تأسیس کردم تا حال فرق آمده].

ک: شرکت حالی ده قندهار اس یا ده کابل؟

HSPrivateKabul050618: ای شرکت حالی ده کابل تولید می کنه. اشخاصی که پیش مه آمده بودن از قندهار بودن. حتا او مشتری اولی ما استن و فعلا هم مشتری ما استن.

ک: پس این طور یک تخمینی وجود نداره که ده سالی چقدر تولید میشه ده شرکت؟

HSPrivateKabul050618: ده سالی ما که تولیدات می کنیم [مکث] شاید ده حدود [مکث] 500 الی 600 تُن مال باشه.

ک: اول وقتی که می خواستید شرکت ره ایجاد کنید، اینجه ده کابل تأسیس کردید، کدام نهادی برای شما کمک مالی کرد، نهاد دولتی، یا این که کاملا شرکت شخصی تأسیس شد و هیچ گونه اشتراک مالی از طرف کدام بانکی هم که قرضه داده باشه، وجود داشت؟

HSPrivateKabul050618: ما که اول این شرکت ره تأسیس کردیم زمین ره از دولت خریدیدم به قیمت نرخ روز. همین برقی که آمده همین لین های برق ره هم خود ما خریداری کرده ایم. همین پایه های برق ره هم خود ما خریداری کرده ایم. برج برق ره خود ما جور کرده ایم. گدام ها ره خود ما جور کرده ایم. هیچ کسی، هیچ نهادی برای ما یک کمک نکرده و خود ما کرده ایم [تمام کارها ره].

ک: ارزش کلی دارایی های غیر قابل انتقال شرکت؟

HSPrivateKabul050618: ما که ای زمین ره خریده بودیم همو در اوایل ده سال طالب ها خریده بودیم. او وقت قیمت زمین خیلی کم بود. تو فکر کو که همی 4 جریب زمینه مه ده او وقت یک 8 یا 9 هزار دالر خریده ایم. بعد از این سر ای کانسترکشن [construction] کرده ایم. فعلا پروپرتی و ولیو [property and value] این کمپنی شاید ده حدود دو و نیم تا سه میلیون دالر باشه.

ک: به شمول ماشین آلات و [قطع]

HSPrivateKabul050618: ماشین آلات هم شاید ده حدود یک و نیم میلیون دالر باشه که کلا تقریبا سه و نیم الی چهار میلیون دالر ده اینجه سرمایه گذاری است. بدون مال خام. مال خام ما همیشه داشته می باشیم ده حدود یک صد و پنجاه تا 200 هزار دالر مال خام می داشته باشیم.

ک: معاش کارگرها باز چند اس؟

HSPrivateKabul050618: معاش کارگرهای، بنیادی معاش [پایین ترین معاش] شروع میشه از هفت هزار افغانی. و باز بالا رفته میره. ما ده فابریکه کارمند داریم که ما حتا برایشان الی 800 دالر معاش میتیم.

ک: بیشتر شاگردهای که ده خود فابریکه کار می کنن چند معاش می گیرند؟

HSPrivateKabul050618: ما یک پالیسی داریم که کوشش می کنیم کارمندها ره ترین [train] کنیم و از نگاه تریننگ معاش هایشان بالا میره. این قدر برای شما گفته میتانیم که همی کس های هفت هزار معاش می گیره شاید تعداد اینها یک 10 فیصد باشه. باز کس های که از یک سال یا دو سال بالا میره، معاش های او تقریبا از 12 هزار افغانی هم بالا میره.

ک: به اساس زمان بالا میره؟

HSPrivateKabul050618: [بله] به اساس زمان و به اساس تریننگ و به اساس فهم و دانش کارمند.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه صنعتی یا تجاری اس؟

HSPrivateKabul050618: ما خو ده پارک های صنعتی یک انجمن داریم. مه خودم عضو او هستم. و یک شورای صنعتکاران و سرمایه گذاران و – می بخشین – شورای صنعتکاران و معادن افغانستان اس، مه ده او ده هیئت رهبری او هستم.

ک: از طریق این شورا یا اتحادیه کدام چیزی به نفع شرکت تا به حالی حاصل شده است از این عضویت؟

HSPrivateKabul050618: همین انجمن صنایع افغانستان که اس او به خاطری حال مشکلات صنایع می باشه و همیشه هر دو نهاد کوشش کرده اند که مشکلات صنایع ره ده مجموع حل بسازند و ده تمامی افغانستان حل بسازد. این شورا یا اتحادیه هیچ وقت یک کاری نمی کنه که [تنها] به نفع یک شخص یا یک اداره باشه. در عموم کار می کنیم و می خواهیم که چطور می توانیم ده افغانستان صنعت رُشد کنه. و به نفع [صرف] یک کمپنی کار نمی کنه.

ک: چند سال اس که شرکت فعال اس؟

HSPrivateKabul050618: اگه بگوییم که شرکت ده سال اول طالب ها خواسته که کار شروع کنه. مگر نتوانسته که از وجوهات مختلف [به دلایل مختلف] مثلا ده زمان طالبان برق نبود، دیگه همی حالات داخلی وطن به این سازگار نبود که کسی بتانه یک صنعت ره رُشد بته. و در آن سال ها همی افغانستان از حد بالا یک دمپنگ کنترل [dumping country] بود. هر کسی مال های پاکستانی، ایرانی و از هر جای می آمد و ده همی مملکت دمپ میشد. اما بعد از این که همی حکومت کرزی آمد همی صنعت یک کم و تم رُشد کرده. و رُشد کرده رفت و مردم هم فابریکاتی ره جور کردند که به پکجنگ نیاز داره و به همی خاطر بود که کمپنی ما، نه تنها کمپنی ما که بسیار کمپنی ها رُشد کرده اند که مثلا جهت کنسترکشن متیریل پرودکشن می کنن مثل پی.وی.سی پایپ و این چیزها. مثلا کمپنی های که دترجنت بزنس کار می کنند. یا ایدیبل [edible product] کار می کنه، مدیسن اندستری [medicine industry] کار می کنن، سوف درنکس [soft drinks] کار می کنن. باز ده این فضل خدا شد که کمپنی ما رُشد کد.

ک: کمپنی اول وجود داشت؟

HSPrivateKabul050618: اولین کمپنی که ده افغانستان پکجنگ ره ده افغانسان تولید کرد کمپنی ما بود.

ک: درست. یعنی اول خو کمپنی های دیگه وجود نداشت که نیاز شد کمپنی شما تأسیس شوه یا این که کمپنی شما قبلا تأسیس شده بود، چی رقم؟

HSPrivateKabul050618: ما که این کمپنی ره افتتاح کردیم ابتدا نبود برای پکجنگ. ابتدا یک کمپنی بود که می خواست به افغانستان پی.وی.سی پیپ تولید کنه. باز ده او ما نتوانستیم به علت های گوناگون چرا که ما ماشین هایی داشتیم که او جور نبود که ما مکسنگ [mixing] کنیم. ماشین هایی بود که ما از تایوان آورده بودیم و ظرفیت این ره نداشته که ما بتوانیم ده این مال های که کرش [crush] میشه و مثلا به استندردی که نورمال نبود، ده افغانستان مردم تولید می کردن و فعلا هم می کنن. باز مه که فکر زدم نتوانستم این کار ره بکنم. و همو صد و در صد از مواد تایوانی تولید می کردیم و مردم از ایران و اینجاها تولید می کرد، و مردم درش بسیار مکسنگ می کرد. خدا شاهد اس که نفسِ مه این ره قبول نکرد. باز آهسته آهسته از این لین ها مه به جور کردن بوتل و پریفورم ها [preform] ها و این چیزها آمدم.

ک: ده کدام سال شروع کردید به این کار؟

HSPrivateKabul050618: مه ده همی سال دوم کرزی به پرودکشن پی.وی.سی شروع کردیم. و او هم به توسط جنراتورها و کم و تم برق. بعدا که مه دیدم نمیشه آهسته آهسته همی صنعت خوده از به جری کن تولید کردن تغییر دادم.

ک: باز شرکت هایی آمدند که ما جری کن ضرورت داریم و شما تصمیم گرفتید؟

HSPrivateKabul050618: مه گفتم که یک شخصی به ما مراجعه کرد از قندهار و به همی قسم بسیاری از مشتری های ما آمدند بعدا که خبر شدند، آهسته آهسته آمده رفتند. فعلا که نباشه یک 12 صد مشتری داریم.

ک: دیگه شرکت جری کن هم اس؟

HSPrivateKabul050618: بله ده افغانستان جری کن تولید میشه. جری کن یک صنعت بسیار بزرگ اس. و شما ای ره می فهمید که پلاستیک یکی از صنعت ها یا تجارت های بزرگ جهان اس. به خاطر همین ما نمی توانیم که تمامی جری کن ده افغانستانه تولید کنیم. باید دیگه اشخاص هم تولید کنه.

ک: از لحاظ فردی هم ده وضع زندگی تان تغییری آمده بعد از این که وارد کار تولید شدید؟ مثلا فعلا ده وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟ وقت فراغتتان ره چی رقم می گذرانید؟

HSPrivateKabul050618: ده زندگی انفرادی مه فرقی آمده که مثلا مه قبلا زندگی داشتم که دیگری [عصرها] والیبال می کردم و جوان بودم. فعلا از او چیزها استفاده نمی کنم. و از نگاه امنیت ده افغانستان مشکلات اس از خاطر همی به خاطر انترتینمنت [entertainment] بیرون رفتن امکاناتش بسیار کم اس. و دیگه ده افغانستان کدام انترتینمنت نداریم و نه کدام وسایلی ده افغانستان بسیار زیاد است. یکی عمده ترین مشکل ده افغانستان در مقابل صنعت امنیت است. امنیت نیس و همی جنگی که از سال 1979 بالای مردم افغانستان مسلط گردیده این نه که یک مشکل برای مردم افغانستان آورده باشه، صدها مشکل آورده! به هزارها مشکل آورده! یکی از مشکل های عمده اش که آورده این اس که مردم ده افغانستان هیچ نمیتانن که انترتینمنت کنن. مثلا خوشی ده زندگی خود ببینن. هر کسی که یک کار می کنه، مثلا یک عروسی می کنه، یا شیرینی خوری می کنه، به ترس و خوف اس. و هر کسی میگه که خدا کنه که همی عروسی به خیر تیر شوه دیگه. ما هم همین طور میگیم که از همی فابریکه بیرون برآمدن یک جنجال اس از خاطر این کدام خوشیِ نداریم که او ره سرانجام [انجام] بتیم. اما حکومت هم کدام دستآوردی نداره که آدم بگویه که اینه حکومت یک دستآورد آورده. او به ملت افغانستان از نگاه صنعت یک کمکی کرده باشه [نکرده]. شما این ره می فهمید که ما دو راه ده افغانستان داریم، یا سه راه داریم که پیش برویم. که یکی زراعت اس، دیگه صنعت اس و دیگه معدن اس. زراعت ما ره خو می بینید که ما بسیار مشکل داریم. از نگاه آب و از نگاه تخنیک های جدید زراعتی، که نداریم ده وطن ما. همو طریقه های مروج اس که طریقه های کولتوری اس. و نه این خارجی های که آمده ده زراعت کمک کرده. هر خارجی که آمده انپروفشنل [unprofessional] کار کرده اند و کس های که ضرورت دارند بالای آنها کار نکرده. رفتن یا به قومندان کمک داده اند یا به شخصی که پول تیر کرده یا یک شخصی که سیاسی باشه به او کمک کرده اند. بعدا می آییم به صنعت. وقتی که زراعت نباشه صنعت هم زیاد رُشد کرده نمیتانه. باز آمدم به معدن افغانستان که معدن افغانستانه کل جهان می فهمه که ده جیب یک چند اشخاص میره و کدام عاید به ملت افغانستان نداره. خو همی مشکلات اس که نمیشه که یک مملکت از نگاه صنعت پیشرفت کنه.

ک: با وجود همه مشکلات – این بخش سوال هایم بیشتر بالای خود مؤلد اس – حتما به خاطر وقت گذرانی بعضی عادت هایی دارید. مثلا با دوست ها می بینید، به یک پارک می روید یا به سفر می روید، از این قبیل تفریح ها چی دارید مثلا؟

HSPrivateKabul050618: ده اینجه یک چند دوست هایی داریم که دوست های که از طفلی مه اس، چایلدهود [childhood] که میگن برایش. از او وقت رفیق هایی دارم که هفته ای یک بار یا دو بار با آنها می شینم. یا مه اونها ره دعوت می کنم یا آنها دعوت می کنن و مه میرم. خو ما به حساب اروپا اینجه چیزی نداریم که اینجه یک دسکو باشه یا پارکی باشه که برویم بنشینیم. نی این طور یک چیز نداریم. ها، این طور اس که دوست ها و ما باغ داریم. همونجه باز میرویم می نشینیم و باربیکیو [barbeque] می کنیم و قطعه می کنیم [می زنیم] و بس دیگه کدام چیزی انترتینمنت نداریم. یک اندیوالم یک سنوکر تیبل [snooker table] داره که میرویم یگان شب جمعه خانه او دیگه او طور انترتینمنت نداریم. خارج سفر داریم. نی که خارج سفر نداریم. یگان وقت چین میرویم، دوبی می رویم، ایران می رویم، تاجیکستان می رویم. سفرهای بزنس می داشته باشیم اما افغانستان یکی از ممکلت های اس که از نگاه انترتیمنت سفر اس. کدام چیزی نداره. مثلا یک جایی که میری می ترسی. باز این رقم انترتینمنت نمیشه. این دیگه هم یک اذیت [آزار روحی] اس. از این کده میگی [از رفتن به تفریح کرده] کاش که ده همو جای خود می بودم [کاش ده خانه می ماندم].

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل؟

HSPrivateKabul050618: مه خود یک خانم دارم، الحمدالله.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

HSPrivateKabul050618: وقتی که جوان بودم مطالعه می کردم. فعلا نمی کنم مطالعه.

ک: ده اجتماعی که زندگی می کنید طبعا مردم یک تصویری در ذهن دارند در باره شما و شما هم یک تصویری دارید از خود در ذهن. چی فکر می کنید که از لحاظ مالی به عنوان میشبث و سرمایه گذار خوده فکر می کنید، به عنوان یک کسی که متوسط الحال اس، یا کسی که فقیر و نادار اس؟ ده کدام طبقه ی اجتماعی خوده می شمارید و مردم چی ذهنیت دارند ده قبال شما؟

HSPrivateKabul050618: مه تعلق ما از یک فامیل تاجر اس. پدر کلان مه یک شخص مشهور مانده به نام [نام پدر کلان]. همین [نام یک تولید دیگر] هم مربوط ما میشه که بعدا ما در بین خود جدا شدیم و به دیگه کاکاها و بچه کاکاها او ره سیده و فعلا مه ده او اشتراک نداریم مگر از همو فامیل و عضو همو فامیل هستیم. مردم ما ره ده معاشره که می شناسند می فهمند که ما از فامیل [نام فامیل] هستیم. و بسیار به یک نگاه احترام به مه می بینند و مه هم به تمام ملت افغانستان احترام داریم و یک ملت مظلوم اس. مه هم عضو همو ملت هستم. چرا که [...] مگر هم ده همی صنعت خودم یک جایی که دارم که هر شخصی که ده مارکیت یک کاری که می کنه یا می خواهه که یک چیزی جدید کنه همو اول جای مشوره اش همی کمپنی ما اس. یا شخصا گفته می توانم که جایش ما استیم که پیش مه می آیند. چون ما فامیلی هستیم که ده صنعت زیاد کار کرده ایم. هر کسی که یک کار می کنه از نگاه اعتبار و از نگاه مشوره پیش ما می آیند و ما هم مشوره می دهیم برایشان. مردم، الحمدالله، ما به مردم احترام داریم. و مردم، بدون مردم هیچ چیزی شده نمیتانه. اصل سرمایه ی ما که اس مردم ما اس. مه خو به ای عقیده استم که تا وقتی که بالای مردم کار نشه ای وطن هم پیش رفته نمیتانه. مگر خوشبتخانه ما که به کس های ره می شناسیم، دوست هایی ما که هستند اکثریت صنعتکارها استند. و صنعتکارها کس هایی استند که دایرکتلی یا ان-دایرکتلی دی ورک فور ده پرورس اوف ده کنتر [directly or indirectly they work for the progress of the country] دیگه وقتی صنعتکار ده یک ملک کار می کنه سرمایه ی او گور میشه. مثل تجار نمیباشه که فرار کنه، بگیره چادر خوده و فرار کنه. سرمایه دار مجبور و مکلف اس که به خاطر تأمین سرمایه ی خود هم یک کار کنه. خو باز به خاطر همی ما یک گروپ، چین اوف فریندز [chain of friends] داریم که ده او یک 12 یا 14 نفر هستیم باز همراه او هم می بینیم به خاطر گپ هایی که ده وطن به خاطر رُشد صنایع می باشه باز کار می کنیم بالای او. حتا بعضی وقت ها اشخاصی ره مشوره میتیم که برادر اینی کار ره تو بکو خوب اس. به طور مثال به افغانستان که آمدیم ده اوایل ده سال های دو و سه [2002 و 2003] حتا آب خوردن از خارج می آمد ده بوتل ها. همی کمپنی بود که [نام شرکت] که به مردم گفت که شما می توانید که آب ره ده افغانستان تولید کنید. همی کمپنی [نام کمپنی] که مردمه گفت که از فلانی جای شما می توانید که پروسس پلانت به خاطر آب بخرید. و توانست که مردم این کارها ره کنه. همین طور بسیار مردم. خو ده مارکیت الحمدالله نیک نام داریم. و توانستیم که بسیاری مردم ره یک کمک کنیم که اونها بتوانن که یک چیزی تولید کنند. [مزاحمت]

ک: تحصیلات ده چی حد اس؟

HSPrivateKabul050618: مه خودم از پیشاور بی.اس.سی کرده ایم، بچلر اوف سایسن [bachelor of science].

ک: فعلا ده کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید؟

HSPrivateKabul050618: پارک های صنعتی! خانه داریم ده شش درک اما نمی رویم. از خاطر امنیت نمی رویم. می فهمید دیگه. امنیت مشکل داره و زیاد رفت و گذار باعث این میشه که به یکی از خطرها رو به رو میشه آدم.

ک: اطفال به مکتب خصوصی [قطع]

HSPrivateKabul050618: مه سه اولاد دارم. دو اولادهای مه که بزرگ اس یکی اش 22 ساله اس، دیگرش 27 ساله اس، ده همی ده فابریکه کار می کنن.

ک: مکتب نمی روند؟

HSPrivateKabul050618: هردویش مکتب خوانده. یکی اش تا صنف 14 خوانده دیگرش هم تا صنف 14 خوانده.

ک: ده مکتب های دولتی خوانده اند یا؟

HSPrivateKabul050618: نی وقتی که، ما مهاجر بودیم یک وقت. همی تحصیلات و کلگی خوده از پاکستان خوانده ایم.

ک: به خاطر ایجاد شرکت، بعضی روابطی به درد آدم می خوره. آدم به تنهایی نمیتانه یک شرکت ایجاد کنه. به شما چی روابطی کمک کرد؟ اعضای فامیل؟ دوست ها، اعضای جامعه؟ کی ها کمک کردند؟

HSPrivateKabul050618: اصلا مفکوره ی این که اینجه باید یک فابریکه جور شوه از پدرم بود. باز یک برارد بزرگ مه که [نام برادر] به مشوره پدر و به مشوره ی فامیل ای زمین ره خرید. بعدا وقتی که حکومت کرزی صاحب آمد همو برادرم اینجه یک سلسله کار می کرد خو بسیار به کمی. باز مه که آمدم این کارهای ره پیش بردم. خو گفتیم میتانیم که همراه مه تمام فامیل دایرکتی یا اندایرکتلی کمک کرده. خو کدام کسی دیگری همراهم کمک نکرده.

ک: چند بار حج رفته اید؟

HSPrivateKabul050618: خودم دو باره حج رفته ام.

ک: موتر هم دارید؟

HSPrivateKabul050618: موتر دارم.

ک: چی مودل اس؟

HSPrivateKabul050618: مودل 2008 اس یا 07 اس. یک موتر کمری اس.

ک: خانه هم دارید؟

HSPrivateKabul050618: خانه دارم ده بگرامی خانه دارم.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بتین؟

HSPrivateKabul050618: دوست ها ده مختلف شعبات زندگی داریم. مثلا ده وظایف دولتی دوست دارم. مثلا ده وزارت تجارت دوست ها داریم. ده وزارت مالیه دوست ها دارم. دپلومات دوست دارم.

ک: ده مقام های بالا هستند یا ؟

HSPrivateKabul050618: نی ده میانه. مقام بلند کسی ره نمیشناسم. دوست های که ده صنعت هستند دارم. صنعتکار هستن. باز بعد از او دوست هایی دارم که از طفلی با مه دوست بوده اند. و اکثریت شان یا ده دولت وظیفه دارند یا مثلا تجار هستن اکثریت شان. باز رفیق های دوره ی پوهنتون و کالج و مکتب هم دارم. رفیق های دوره ی مهاجرت هم دارم. همین دسته!

ک: از لحاظ وضع امنیتی کشور که تقریبا از شروع شما فعال بوده اید، کدام سالی اس که کار شما بیشتر رونق داشته و مسایل امنیتی مثلا یک حمله ی انتحاری یا چیزی، به شکل واضح دیده اید که بالای تجارت شما تأثیرگذار بوده؟

HSPrivateKabul050618: همی سال 2017 و 18 افغانستان از نگاه تجارت – چون که افغانستان یک مملکتی اس که لندلاکد [landlocked] ملک اس، ده خشکه اس. دار و ندار زندگی افغان ها بالای اجناسی اس که از خارج می آیه. مگر ده سال 2018 و 17 مشکلاتی بین همسایه های افغانستان پیش آمد که باعث ای شد که صنعت افغانستان رُشد کنه. و ده سال 2017 که موضوع امنیت افغانستان بسیار خراب بود و فعلا هم خوب نیس. اما چون که همی دار و مدار ممالک همسایه ی ما با ما خوب نیس از این علت مردم کوشش کردند که ده داخل تولید کنن.

ک: واردات خوب نیس؟

HSPrivateKabul050618: واردات خوب نیس. صادرات هم خوب نیس. از این گاه باز مردم کوشش کردند که همی چیزهای که ده افغانستان، کالاهایی که ده افغانستان تولید میشه یا بعضی پرودکت زراعتی که ده افغانستان تولید میشه ای ره چطور بتوانیم که ده خانه ی خود استفاده کنیم. مه ای ره اکثرا میگم، ده مجالس هم میگم. افغانستان یک رستورانت اس! که سه وقت ده خانه های افغانستان دسترخوان هوار میشه و تمام کالاها از خارج می آیه. به شمول دسترخوان، ظروف، ظروف شیشه یا پلاستیک، روغن، آرد، برنج، .. صرف کسی که می خوره او افغان است. مگر فعلا همی تناسب ای کم شده. مثلا ما مایع ظرف شویی ده افغانستان فعلا تولید میشه. یک فیصد آرد ره افغانستان خود تولید می کنه. همی حالی ما همی بوتل اس، همی بزرگ بوتل ره برایتان نشان میتم، ای ده افغانستان تولید میشه. روغن ده افغانستان یک چیزی تولید میشه. مثلا از پنبه که کدام روغن می برایه از کنجد و از چیزها دیگه. ده افغانستان یک فیصدی تولید میشه. مثلا می توانیم که در بعضی چیزهای زراعت هم [...] زراعت هم کار میشه ده افغانستان. همی گرین هاوس های که ده افغانستان جور شده، باید برای او پکجنگ کار اس. او پکجنگ فعلا ما تیار می کنم که سبد ده افغانستان برایش میگن یا فروت تری [fruit tray] که برایش میگن. از این نگاه باز ده افغانستان پیشرفت شده. مگر ده سال های 2018 و 17 امنیت هم ده افغانستان خراب شده. مگر چون که برق ده افغانستان زیاد شده و چون فعلا بهار اس، برق مردم کم استفاده می کنن، ده زمستان زیاد مصرف می کنن، ما فعلا 24 برق داریم. قطع و وصل نداریم. از نگاه این تولیدات بالا رفته. یعنی ما گفته می توانیم که در این حال جنگ صنعت ده حال رُشد اس چرا که افغان ها متوجه شده اند که ما باید خود ما کار کنیم. مثلا مه برای شما یک مثال میگم. روغن از مالیزیا و اندنیزیا و یوکراین و این جاها به افغانستان می آیه. همی یک کانتیر ره بگوییم. یک روغن که از مالیزیا به افغانستان میرسه ای انشاالله و عزیز، ای 45 الی 60 روز میگیره. وقتی که ای ده 60 روز به افغانستان میرسه ای یک پول گزاف که مثلا یک کانتینر 50 یا 60 هزار دالر باید بند شوه بالایش. از یک تجار 50 هزار دالر بند میشه. باز ای ره ده بازار می فروشه. پس ریتورن [return] این که می آیه این توتل [in total] شش ماه می گیره. یعنی ای آدم میتانه ده ای پول دو چکر کار کنه ده سالی. یعنی شش ماه و شش ماه [شش ماه زمان وارد کردن، و شش ماه برای دوباره فروش مواد تجاری]. حالی یک کمپنی دیگر اس ده کابل، مثلا مایع ظرف شویی تولید می کنه. 90 فیصد آب اس ده ای مایع ظرف شویی. ای 90 فیصد آب و کمی کیمیکل اش هم لوک پرودکشن میشه ده [تولید میشه] ده افغانستان. دیگه عمده پرودکتش که می آیه از خارج می آیه. مثلا 10 فیصد یا 5 فیصد یا 7 فیصد [وارد میشه]. این مثلا پول یک کانتینر ره روان می کنه از یک کانتینر ای 50 کانتینر جور می کنه. خاطر این که 90 فیصد ای آب اس. و این ده پارک های صنعتی کابل یا ده پارک های صنعتی جلال آباد یا مزار یا قندهار تولید می کنه، به همو لوکل مارکیت خود سپلای می کنه. پروفیت مارجن ای آدم هم بالا میباشه. خاطری این که ده پارک های صنعتی تولید می کنه و به مندوی مال میته. به شهر کابل مال میته یا خودش توزیع می کنه. وقتی خودش توزیع می کنه، ای ده 4 دالر برایش تمام میشه ای ره ده 6 دالر می فروشه. وقتی ای می بینی که ای مال از پارک های صنعتی به مندوی می برم برای مه 2 دالر می مانه از خارج مال نمی آوره. مثلا همی مایع ظرف شویی قبلا تمام مایع ظرف شویی از ویتنام و از ایران به افغانستان می آمد. وقتی که مردم ده افغانستان تولید شروع کردند همی یکی از بزرگ ترین کمپنی ایرانی به نام [نام کمپنی] آمدند ده افغانستان تولید می کنند. اینجه ده کوچه ی چهار فابریکه اش اس.

ک: این طور بعضی اقلام تولیدی اس یا ده مجموع تولید رُشد کرده ده 2018 و 17؟

HSPrivateKabul050618: مه برای شما گفته می توانم که مه که کار شروع کردم ده ابتدا صرف و صرف به یک کمپنی که سرکه تولید می کرد مال می دادم. فعلا مه به سوفت درنک مال میتم، به نوشابه گاز دار مال میتم، چندین قسم بوتل های مدیسن اس که برای او مال میتیم، تمام بزنس دترجنت که اس و می شناسی، هر چیزی که اس برای او میتم. به روغنیات موتر که پترولیم اندستری اس برای او میتم. ادیبل اندستری که ده او روغنی که انسان ها استفاده می کنن، می آیه، به او مال میتم. به کاسمتکس [cosmetics] اندستری مال میتیم. ده پهلویش ده بلک مال میتیم مثلا یک موسسه می آیه از پیش ما مال می خره، بشکه می خره به خاطر مهاجرین. برای او مال میتیم. خو مه که می بینم کار ده طول 17 یا 16 سال رُشد کرده. و شاید دیگه هم رُشد کنه. خو بعضی چیزهایی اس که او باید از زیربنا باید کار شوه.

ک: ده خود شرکت طرز تصمیم گیری چی رقم اس؟

HSPrivateKabul050618: مه خو همی ره ای رقم تشریح کرده می توانم که فابریکه ی مه که اس ای یک فابریکه ی اس که مادر دیگه فابریکه ها اس. تا وقتی که پکجنگ نباشه هیچ کاری شده نمیتانه. وقتی که گپ به پکجنگ میرسه یک کس یک مفکوره پیدا می کنه. وقتی که یک کس یک مفکوره پیدا می کنه اولین مراجعه به ما می کنه. او که مراجعه کد ما او چیز ره مثلا ده سیستم خود نداریم. به طور مثال مثلا یک کسی می آیه میگه که برای مه یک بوتل 5 لیتره برای روغن به کار اس. که دسته داشته باشه و سرپوش داشته باشه. بعد از او ما دیگه ما برایش میگیم که بله ما این کار ره کرده می توانیم اما ما نی بوتل داریم، نی پری-فورم داریم ، نی سرپوش داریم، نی دسته داریم. باز کتی او آدم ما به یک انگریمنت [agreement] میریم، که تو مطمین هستی که این کار ره می کنی که اگر ما کدام سرمایه گذاری که برای خودت می کنیم صبح هدر نره. بعد از این تصمیم گیری شروع میشه. باز تصمیم گیری، ما تصمیم های ما اکثرا بیسد اون [based on] ضرور می باشه. مثلا یک کس یک ضرورت پیدا می کنه، بعد از او تیم کمپنی می خیزه تصمیم می گیره.

ک: ده تیم کمپنی چند نفر اس؟

HSPrivateKabul050618: یکی خودم استم. دو پسرم هستند. یکی رییس مالی ما اس. یک سه اشاخص تکنیکل داریم که ده داخل گدام کار می کنند. و یکی کسی اس که بیرون از فابرکه اس یکی از مشوره چیان فابریکه [مشاورین فابریکه] اس، همو ره هم زحمت میتیم. تقریبا 5، 6 نفر جمع میشیم یک فکر ره جور می کنیم. مثلا یک چیزی ره برای شما بگویم. فعلا یک پروژه داریم بالای او کار می کنیم. ما دیدیم که ده افغانستان همی سرپوش رنگش جور نمیشه. اصلا این این طور رنگ داشته میباشه [نمایش رنگ سرپوش]، مردم میگه که مه ره ده این رنگ بته [رنگ متفاوت]. مگر این رنگ از خارج می آیه [رنگ دوم]. ما بالای ای فکر زدیم که چطور بتوانیم ای ره ده افغانستان تولید کنیم. باز اشخاصی که کتی ما کار می کنند حتما کمی معلومات دارند، خود ما هم کمی معلومات دارم. این کلگی [معلومات ها ] ره یکجا می کنیم باز رنگ ره خود ما [فرضا] ده افغانستان تولید می کنیم. همی حالی ما ده یک پروسس کار می کنیم که می خواهیم همی رنگ ره ده افغانستان تولید کنیم. و اگه فکر بتوانیم یک سگ اس ده افغانستان که ده ولایت ننگرهار از معدن می برایه به نام سوبستون. ده این رنگ او استفاده میشه، 90 پرسنت یا 80 پرسنت. دیگرش کیمیکل می باشه که باز ای رنگ جور میشه. همی یک ضرورت بود که باید شوه. این طور نی که ما بخیزم از هیچ جایی یک کار ره شروع کنیم. نی! می بینیم که ده مارکیت به یک کسی یک چیزی ضرورت اس باز او کار ره می کنیم.

ک: باز کسی هم آمده که گفته باشه که ما ده همی بخش شما ضرورت دارید ما یک فابریکه ی دیگر ایجاد می کنیم که [قطع]

HSPrivateKabul050618: نی او ره خو می فهمیم که به تمام افغانستان ضرورت اس. به همی خاطر پکجنگ این طور یک اندستری اس که، مثلا، نمیتانه یک پکجنگ اندستری بخیزه و تمام ضرورت افغانستانه پوره کنه.

ک: مثلا همی رنگه یک کمپنی دیگه آمده باشه که مه حاضر هستم که همی سرپوش ره به همی رنگ سفید نی به رنگ زرد تولید می کنم؟

HSPrivateKabul050618: هسته هسته. مردم می آیه. مراجعه می کنه و ما برایشان میگیم. این کار ره می کنیم. حالی فعلا این رنگ از ایران و پاکستان می آیه. اما مواد خامش ده افغانستان 80 فیصد پیدا میشه. مه گفتم که زراعت، صنعت و معدن، چیزهایی اس که این مملکت ره پیش می بره. انمی خام مال این یک 80 فیصد ده افغانستان ده ولایت ننگرهار پیدا میشه. ما برای او راه جور کرده ایم که چظور بتوانیم او ره ده ای استفاده کنیم.

ک: به کارگرها باز برعلاوه ی معاش دیگه چی خدمات ارایه میشه؟

HSPrivateKabul050618: برای کارمندها سه وقت غذا میتیم. سیستم تشناب و ای چیزهایشانه میتیم. تمام سیستم های که یک انسان ضرورت داره میتیم. برای صحت شان مثلا کار می کنیم. مریض میشن شفاخانه میرن می کنیم. رخصت دارند به حساب، مثلا یک کس سه ماه کار می کنه ده سه ماه مثلا چیزی که حق حصولشان اس او ره میتیم.

ک: از کدام ولایت ها آمده اند؟

HSPrivateKabul050618: اکثریت کس هایی که ما داریم از شمال افغانستان هستند. خاطری که ده اونجه امنیت ده ولایت کندز خوب نیس. اکثریت کارمندها ما از ولایت کندز ما داریم.

ک: کارگراها باز شامل کدام اتحادیه ی کاگری یا کدام تشکلی هستند؟

HSPrivateKabul050618: نخیر نیستند.

ک: کس های که تصمیم گیری نقش دارند ده شرکت همه از افغانستان هستند؟

HSPrivateKabul050618: بله.

ک: گفتید دیگه شرکت هایی هم استند که ده قسمت تولید بوتل فعال هستند. همراه اینها هم وقت و ناوقتی می نشینید؟

HSPrivateKabul050618: بله بله. بسیار همکاری می کنیم.

ک: رقابت هم می کنید؟

HSPrivateKabul050618: رقابت کرده نمیتانیم. فعلا ایقه کم هستیم که به رقابت ضرورت نیست. بلکه به یکدیگه همکاری می کنیم.

ک: چند شرکت اس؟

HSPrivateKabul050618: شاید ده حدود 50، 60 شرکت باشه. کوچک بسیار اس بزرگ دو، سه کمپنی اس. که ما هستیم و یک دو، سه کمپنی دیگه اس.

ک: شرکت های که بوتل تولید می کنن؟

HSPrivateKabul050618: بله.

ک: یعنی 60 کمپنی اس که بوتل تولید می کنن؟

HSPrivateKabul050618: ما و شما تقریبا 40 میلیون نفوس داریم. هر انسان که روزانه یک بوتل مصرف کنه، به یک نه یک قسم، یا مدیسن باشه یا کاسمتکس باشه یا بورجس باشه، به هر شکلی که باشه، یا ایدبل اندستری باشه یا دترجنت باشه، 40 میلیون بوتل روزانه حد اقل ضرورت داریم. تولید کردن 40 میلیون بسیار زیاد است. کوکاکولا روزانه 1.6 میلیون پرودکشن داره. الکلوزی ده روزی ده حدود 5 لک بوتل تولید داره.

ک: اینها باز از شما نمی گیرند و خودشان تولید می کنند؟

HSPrivateKabul050618: [بله] خودشان تولید می کنن. ما آزادانه تولید داریم. ما به تمام افغانستان تولید می کنیم.

ک: کمک های دولت؟

HSPrivateKabul050618: دولت هیچ نوع سیستم به همکاری نداره. موسساتی است هم همکاری می کنند. مثلا یک وقت یک موسسه بود به نام آی.دی.ان. یو، یک موسسه بود به نام یو.اس.آی.دی. خو مه که ده دو جلسات هم دیدم و گفتم همونجه که این کمکی که شما می کنید به جایی نمی خوره. یک چیزی ره برای شما بگوییم که موسسه خیست برای یک کسی کمک کد و برایشان ماشین پلاستیک خرید، او آدم پولش ره هم بورد و تمامی چیزهای موسسه ره هم برد و او ماشین های موسسه ره بالای ما فروخت. موسسات خارجی که به افغانستان آمده اند اصلا هیچ نوع همکاری به افغانستان نمی کنند. صرف به خاطر معاشات خود می آیند و معاشات خوده می گیرند و پس می روند. و اگر شما ببینید که مه می روم سروی می کنم. مثلا مه میگم همی ره بکنید شما! بروید ده همی کل افغانستان بگردید که موسساتی آمده اید که می خواستید به صنعت کمک کنید. یک نه یک صنعت، معدن یا زراعت یا صنعت. شما چی کرده اید؟ یا بگویید که شما آمدید چقدر بودجه داشتید؟ این بودجه ره ده چی مصرف کدردی؟ به مه نشاندهی کنید. اگه ده 100 روپیه ای برای شما 50 روپیه ره نشان داد باز بگویید که صحیح کار شده. شاید دو فیصد هره هم نشان داده نتوانه. این تمام حیف و میل میشه. حیف و میل شده اند. [مزاحمت] کوالتی بسیار مشکلات داره مثلا این باید صحیح ایستاد شوه. رقص نکنه. او که رقص می کنه او ره باز دنسنگ بوتل می گن. مثلا این مواد باید ایکول [equal] تقسیم شوه. ببنین که این ایکول نیس. پایانش زیاد مال اس بالایش کم اس. این ره باز کلگی ره باید یک کس باید ببنیه که کوالتی کنترل شوه. این ره باز خودم یک تجربه دارم. ده همی موسسات خارجی گپ می زدیم. همی موسسات خارجی که به افغانستان می آیه به یک بجت [budget] می آیه. این طور نی که بدون بودجه بخیزه بیایه. این مردم ها که باز به افغانستان می آیه هیچ نوع مطالعه ده باره صنعت ندارند. و هیچ نوع فکری ندارند که مثلا یک فکری پیدا کنند که مردم بگویند که اینی یک کاری ره بکنند. یا یک پروگرسی ورکشاپ داشته باشید. چی می کنید که پول ها ره می گیرید و چند اشخاص از وزارت مالیه و از اینجه و از آنجا می برید هند و می گویید که یک سیمینار اس. به نام سیمینار پول حیف و میل میشه افغان ها میره، معاش می گیره. هر افغان، به فکر مه که یک شخصی که باید یک 2 صد 3 صد دالر ماهانه معاش بگیره یا 4 صد دالر معاش بگیره برای او ده یک پروژه یک دو سال 3 هزار 4 هزار دالر معاش میته وقتی که پروژه خلاص شد باز میره نی صنعت جور میشه و پول ها ده جیب معاش میره. از توسط اشخاص [به اشخاص] میره. اینی ها هم. مه ده یک جلسه گفتم که اگه شما م خواهید به افغانستان کمک کنید یک پنل جور کنید که ده او صنعتکارها هم باشه که برای شما بگویند که اینی کار بکنید، اینی کار نکنید. اینی مشوره اس، اینی نیس. اما هیچ وقت این کاره این مردم نکردند. و نخواهد کردند.

ک: ده قسمت تصمیم گیری گاهی هم شده که شاگردهای شرکت جمع شده باشند که ما یک مشوهر داریم ده قسمت توسعه ی شرکت یا ده بالای هر موضوع دیگری که بالیا شرکت تأثیر داشته باشه یا این که آنها بیشتر مصروف کارشان هستند؟

HSPrivateKabul050618: شما باور به این کنید که – شاید کسی باور هم نکنه - هر کارمند این کمپنی ده یک نه یک قسم ده باره پیشرفت این فابریکه گپ می زنه مشوره میته و ما هم برایش احترام قایل هستیم. چرا که کسی که مستقیما ده تولید دخیل اس او هم کسی اس [که کار می کنه]. مثلا یک چیزی ره برایتان بگویم. یکی از ماشین های ره که تولید می کردیم و او پرودکشن می داد و همو بچه از زیر مال می گرفت. او بچه خودش یک روز مه ره ده بیرون اسیتاد کد و گفت که حاجی صاحب این مال که تولید میشه از بالا می افته و از بالا ده تشت می افته و از تشت باز ما می گیریم او ره قیچی می کنیم. و ده این قدر وقت این حرارت خوده از دست میته. اگه یک پوجگت شوه که حرارت نته و ما مستقیم این ره لش کنیم باز ای صحیح می آیه. همو گپش ره ماقبول کردیم و همو سیستم ره فعال ساختیم. همی رقم بسیاری کارمندها. مثلا یک کارمند ما او روز برای ما گفت که از همی قالب داریم، می بینید فلش داره اینجه، فلش می آمد و او مجبور بود که او هر روز آنها ره پاک کنه. او گفت که حاجی صاحب همی باید ایستاد شوه. ای وظیفه ی مه نیس که ای ره پاک کنم. از او پرسان کردم که می فهمی علتشه؟ او گفت که ای باید 8 پیس پرته چون یک دهنش بند اس هفت پیسه حالی می اندازه همی مواد یک پیس کجا میره؟ ده همی فلش میره. و ای تمامی ره دسترب ساخته. انجنیر باز کوتی ره جور کد و خلاص کد و [...] یعنی تمام کارمندها شاید 60 درصد قابل این استند که مشوره میتن.

ک: مشوره ده قسمت مصارف هم میتن؟

HSPrivateKabul050618: ده مصارف هم یگان وقت مشوره میتن. یگان وقت ده باره غذای خود هم شکایت میکنند. یگان وقت ده باره تفریح خود هم شکایت می کنند. یک پلان هم میتن که این رقم باید شوه. یگان وقت در باره ی سپورت خود گپ می زنند که ما هیچ سپورت نداریم. خو ما کدام راهی دیگه هم نداریم. چاره هم نداریم.

ک: این طور وقتی شده که ده قسمت فعلایت هایتان جامعه مدنی یا سازمان های غیرانتفاعی [تا اخیر سوال]

HSPrivateKabul050618: نخیر.

ک: موقعی هم رسیده که گفته باشید که تجارت ده حال رکود اس و دروازه ش ره بسته کنید و بروید به یکر طرف دیگر؟

HSPrivateKabul050618: مه خودم یک بار به حکومت گفته ام که اگه برق ما پوره نشه مه خودمه [شرکت مه] بسته کی کنم رفتیم کلیدها ره ده ارگ بوردیم. گفتیم این کلیدها ره به شما میتیم پس چول ما ره پس بتین.

ک: بازاریابی و فروشات شما بیشتر ده کدام شهر صورت می گیره؟

HSPrivateKabul050618: تمام افغانستان.

ک: بیشتر ده کجا؟

HSPrivateKabul050618: بیشتر کابل. چرا که کابل یک هفت میلیون نفوس داره و ضرورت زیاد داره.

ک: آخرین باری که بالای توسعهی شرکت پول مصرف کردید کدام سال بود؟

HSPrivateKabul050618: 2016 و 17.

ک: امیدوار هستید که برای همین تجارت عرصه فراهم اس؟

HSPrivateKabul050618: افغانستان یک کشوری اس که ده خسکه گیر اس و جنگ زده اس، از 40 سال تقریبا جنگ اس و فعلا هم جنگ اس. بدون صنعت کدام راهی هم داره. کجا بره؟! اشخاصش چی کنه؟! کجا بروند؟! کار باید کنند. و برای کار یا زراعت کاست، یا صنعت اس یا معدن است. همین چیزها ما داریم [و بس]. انفرسترکچر ما همین رقم اس. خداوند تعالی این ممکلت ره همین رقم خلق کرده [دیگه راهی نداره]. که کوه اس و زارعت اس و باید صنعت باشه. دیگه جنگ که [که اضافه] شد بیخی بدون آن هم [جنگ ده هر صورت] تباهی اس. امید دارم که جنگ خلاص شوه. کجا برویم [در هر حال]؟! میگیم که صنعت ره بند می کنیم که صنعت که بند شد تجارت هم بند میشه. تجارت که بند شد زراعت هم بند میشه کل مردم باز باید بدبخت شوه و طرف یک تباهی و بربادی بره. نی! ما این ره نمی خواهیم و خدا نکنه که ای رقم شوه و خدا کنه که یک وقتی بیایه که [...] مثلا برای شما میگم همی پنبه، کاتن اندستری [cotton industry] که اس. افغانستان بسیار زیاد کوتن پرودکشن داره خصوص ا ده هلمند و بادغیس و این ولایت ها. چرا ما رخ [پارچه] تولید کرده نمیتانیم؟ مه ده لاهور ده یک فابریکه رفتم [نام فابریکه] سه شفت در اونجه کار می کردند. هشت هشت هشت ساعت! ده هر شفت شش هزار نفر کار می کرد. می فهمی همی پنبه ره از کجا می خرید؟

ک: از افغانستان؟

HSPrivateKabul050618: [بله] از افغانستان. شما فکر کندی که همو کسی که میگه ده افغانستان موقع نیس به کار، بیایین ده جلال آباد ده ولسوالی خوگیانی سنگ سوبستون می برایه. این اول همین طور سنگ می رفت به پاکستان و ده پاکستان پروسس میشد و بعد چاینا و اروپا می رفت. باز جناب رییس صاحب جمهور ما توانست که که مردم ما ره قانع بسازه که شما همی سنگ ره ده افغانستان پروسس کنید. همی حالی دایرکتلی یا اندایرلکتی اپروکزیمتیکل 50 توزند ورکس ان دس اندستری [directly and indirectly 50 thousand works for this industry]. 50 توزندس آر ورکنگ فور دس اندستری [50 thousand are working for this industry].

[مزاحمت]

HSPrivateKabul050618: سرمایه گذاری کردیم. ما خویستیم برای این قالب ها ره خود ما جور کردیم. این آدم از برگ های زیتون جلال آباد که نیس از اویل [oil] او شامپو تولید می کنه ده افغانستان، مدیسن شامپو. تا هنوز تولید نکرده اند بوتل هایشان رسید و قالب هایشان رسید ده پروسس اس. ما همین روز بوتل هایشه تولید کردیم و سمپلش همین امروز رسید. او ره اینها می گیرند لیبل می کنند. ببینید این نفر می گیره سرمایه گذاری می کنه ده برق زبتون افغانستان، مردم میگه کار نیس. یک برگ که بالای زمین می افته او ره از طریق وزارت زراعت خریده می آوره به کابل ده کابل از او اویل اکسترکت می کنه. حالی یک کسی مصروف میشه که او برگه جمع کنه یک کسی مصروف میشه که به او یک بوجی جور کنه. یک کسی مصروف میشه که او ره ترسنپورت کنه. وقتی که اینجه می آیه این شخص ازش اویل تولید می کنه. ما برشان بوتل تولید می کنیم. یک کسی قالبه برایشان جور می کنه یک کسی سرپوشه تولید می کنه کسی لیبلش ره جور می کنه، کسی کارتنش ره جور می کنه. کم از کم 20، 30، 40 خانم ها ده این فابریکه کار می کنند که این ره فلنگ [filling] کنند. باز ده مارکیت میره و مستقیم و غیر مستقیم وظیفه چقدر زیاد اس. مه میگم که [تمام این] از یک برگ اس که قبلا بالای زمین می افتید. حیف میشد. خاک میشد. فعلا یک کسی خیسته و یک فکری پیدا کرده که مه ده همی باید سرمایه گذاری کنم. به همین قسم زغفران افغانستان اس. به همی قسم همی سنگ جلال آباد اس که سوبستون برایش میگن. به همی قسم ده پنجشیر یک جم یا سنگ قیمتی اس. مه میگم زیاد چیزها ده افغانستان اس که میشه ازیشان استفاده صورت بگیره.

ک: این لیبلی ره که میزنند بالای تولیدات این ره کدام شرکت دیگه می زنه؟

HSPrivateKabul050618: ها بسیار! پرنتگ اندستری اس. این خو ده انتخابات جور شد [خنده]. همی لیبلنگ اندستری ده وقت انتخابات به وجود آمد باز ده لیبلنگ هم ازش کار می گیرند. نی! ده افغانستان بسیار کار اس. نشده هیچ. افغانستان این طور اس که یک مملکت نو به وجود می آیه. و هیچ چیز داشته نمیباشه.

ک: دلیلی که نشده چی اس؟

HSPrivateKabul050618: خو جنگ بود. جنگ بود، بدبختی بود، بی سوادی بود. کار نکردن بود، پلان نبود.

ک: شما اما ده صنعت کار کردید. انگیزه ی شما چی بود که ده صنعت آمدید؟

HSPrivateKabul050618: انگیزه ی مه این بود که مه می خواستم که تولید ده افغانستان شوه.

ک: جنبه ی مالی اش هم حتما مدنظر بود یا خیر؟

HSPrivateKabul050618: خودم داشتم یک چیزی. این طور هم نبود بی پول بودم. یک تجارت قبلا داشتم. اما می خواستم که [...] به واقعیت گپ این که از آوردن خارج [از خارج وارد کردن] خسته شده بودم. تا چی وقت از خارج بیار بیار بیار و بخور. از خارج کانتیرن می آیه و پول میره بیرون. مملکت به انفلاسیون رو به رو میشه. مه خودم به این وطن محبت دارم. تا وقتی که ما به این وطن محبت نکنیم این وطن پیش رفته نمیتانه. تا وقتی که یک متعلم به کتاب این مملکت احترام نداشته باشه این وطن پیش نمیره. و هر کسی باید این فکر ره پیدا کنه. می آیند ده این ممکلت تف می کنند اما پاک نمی کنند.

ک: برعلاوه ی صنعت شما می توانستید یک کار دیگر هم کنید، چرا صنعت مشخصا؟

HSPrivateKabul050618: مه همین کار ره یاد داشتم و می خواستم که صنعت ده افغانستان شوه. مه نمی خواستم که تیارخور شویم.

ک: از کجا یاد گرفته بودید صنعت ره؟

HSPrivateKabul050618: یک مفکوره ره خداوند تعالی برایم داد که باید ده افغانستان تولید شوه. تا چی وقت از خارج مال بیاوریم؟ مه خودم مال می آوردم، موبل آیل از دوبی و این جاها می آوردم. مه فکر کردم که تا چی وقت همی ملت بیچاره پول بته و ما پولشه بگیریم به دوبی بتیم. باید ده همی افغانستان تولید شوه. همی حالی ده افغانستان کم از کم 20 الی 25 فابریکه کار روغنیات موبل آیل ره می کنه. همین موبل آیل ره که ما می سوزانیم این ره اینها پس می گیرند، پروسس می کنند، فلنگ می کنند، و ده بازار میتن. همین که ما ما نمی بودیم این از کجا میشد. ما که همین بوشکه نمی دادیم این از کجا میشد.

ک: موبل تولید می کنند؟

HSPrivateKabul050618: بله. اون بوتلی که می بینیه ده پشت سرت ماندگی اس، این ره ما تولید می کنیم. این ره مواد خامش از کجا میشه؟ این هم ده داخل افغانستان تولید میشه. مثلا همین شما روغن می خورید، بشکه اش ره گذار می دهید [دور می اندازید]. برای این یک فابریکه ی دیگه جور شده که این ره می شکنانه [ذوب می کنه] پروسس می کنه و دانه می کنه و باز ما می خرید و باز ما پس از پیشش بوشکه جور می کنیم. شما چی فکر می کنید ده این چقدر انسان ها مصروف باشه؟ این صنعت ده کل جهان اس. حتا ده انگلستان هم اس. ریسایکلنگ [recycling].

ک: تشکر!

HSPrivateKabul050618: خیر ببینید!